

بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر ادراک از خدا، در افراد مراجعه کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

آرزو پدرام نیا^۱، محمدعلی طاهری^۲، منیر حداد^{۳*}

خلاصه

فرادرمانی و سایمنتولوژی طب‌های مکمل ایرانی هستند که از طریق میدان‌های شعوری طاهری به درمان اختلالات ابعاد وجودی انسان می‌پردازند و توسط محمدعلی طاهری معرفی شده‌اند. در این روش از طریق ارتباط بین هوش جزء و هوش کل (هوشمندی کیهانی) اسکن زیرمجموعه صورت گرفته و ترمیم و اصلاح انجام می‌پذیرد. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی و میدان‌های شعوری (ط) مرتبط با آنها بر ادراک از خدا، بر مراجعه‌کنندگان به مرکز آموزش عرفان کمال در شهر تهران انجام شد. روش تحقیق شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون پس آزمون بود و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین ۱۰۰ مراجعه‌کننده استفاده و تعداد ۳۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و در گروه آزمایش قرار گرفتند. (دوره‌ها ۵۶ جلسه، دو بار در هفته و هر جلسه به مدت ۱۲۰ دقیقه به همراه آموزش تئوری و عملی میدان‌های شعوری (ط) بودند). برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ادراک از خدا (Greeley)، استفاده شد و اطلاعات پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل واریانس (ANOVA) و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش سایمنتولوژی بر ادراک از خدا ($F=67/97$, $p=0/000$, $\eta^2=0/66$) تاثیر داشته است. نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد. فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تاثیر آموزش بر بهبود ادراک از خدا معنادار بوده است. ($p=0/000$) و آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی بهبود ادراک از خدا تاثیر می‌گذارد و این آموزش ۶۶ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند. همچنین با گذراندن این دوره‌ها تغییر قابل توجه در این زیرمقیاس‌ها دیده شد: حس حضور ۵۶٪، تاثیر حضور ۱۱٪، خیرخواهی ۵۷٪، مشیت ۴۸٪. این آموزش‌ها تاثیر قابل توجهی روی زیرمقیاس‌های چالش و پذیرش نداشتند در مبحث فرادرمانی و سایمنتولوژی که تمرکز اصلی بر اصلاح بینش انسان و درک فلسفه خلقت می‌باشد پیش بینی می‌شود که پس از آموزش‌های دوره، بینش افراد در این مقوله‌ها اصلاح شوند که نتایج آماری نیز آنرا تایید نمودند.

۱. کارشناس ارشد مشاوره و علوم تربیتی،
دانشگاه آزاد کرمان، ایران

۲. بخش تحقیق و توسعه ساینسکت،
مرکز تحقیقات Cosmointel Inc.،
انتاریو، کانادا

۳. روانپزشک بیمارستان آموزشی-درمانی
فیروزگر

*نویسنده مسئول:

روانپزشک بیمارستان آموزشی-درمانی
فیروزگر

پست الکترونیکی:

hadad.m@iums.ac.ir

کلیدواژه‌ها: فرادرمانی، سایمنتولوژی، ادراک از خدا، طب مکمل، میدان‌های شعوری (ط) (TCFS)

مقدمه

طب غربی تنها یکی از رویکردهای بشر به مسئله سلامت و بیماری است. در کنار این روش، شیوه‌های دیگری از پزشکی نیز وجود دارند که با تفاوت‌هایی در اصول، قواعد و راههای تشخیص و درمان، سعی در بازگرداندن سلامتی به افراد بیمار و جلوگیری از ایجاد بیماری در اشخاص سالم دارند. تعداد این روش‌ها بالغ بر ۱۰۰ عدد است و مجموعه آنها را با نام‌هایی نظیر «طب مکمل» یا «طب جایگزین»، در سراسر جهان می‌شناسند. این مجموعه، از سیستم‌های پزشکی بسیار متفاوتی تشکیل شده است که آنچه در تمامی آنها مشترک است تفاوتشان با رویکرد طب رایج در روش‌های تشخیص، درمان و یا هر دو آنها است. در این فرآیند، تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف در سراسر دنیا بسته به دیدگاه‌های خود، راه‌های متفاوتی را ارائه نموده‌اند. از این بین می‌توان از یک سو به رویکردهایی کهن نظیر طب سنتی ایران، طب سنتی هند (آیورودا)، یوگا، طب سنتی چین، طب سنتی بومیان آمریکا، شفا بخشی با دست‌ها و از سوی دیگر به روش‌هایی با قدمت کمتر مانند هومیوپاتی، استئوپاتی، کایروپراکتیک و ... اشاره نمود.

هدف از رویکرد طب‌های مکمل، ارتقاء سطح سلامت و کیفیت زندگی به موازات افزایش طول عمر با بکارگیری هوشمندانه رویکردهای طبیعی و روش‌های مختلف طب مکمل- جایگزین با استناد به تجربیات بالینی و تحقیقاتی است (۱).
فرا درمانی و سایمنتولوژی رشته‌هایی از طب‌های مکمل ایرانی می‌باشند که از نوعی نگرش به نام فراکل‌نگری نشأت گرفته است و این نگرش انسان را به وسعت و عظمت جهان هستی می‌داند و اساس آن از طریق اتصال با هوشمندی کیهانی می‌باشد (۲).

شبکه شعور کیهانی

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری)

جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری^۱ نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

محمد علی طاهری، بنیانگذار عرفان کیهانی حلقه، مکتبی با بیش از ۴۰ سال قدمت و مؤسس مرکز تحقیقاتی کازمواینتل، علم جدیدی را در سال ۲۰۲۰ به عنوان شاخه‌ای از این مکتب معرفی کرد. او نام ساینسفکت را برای این علم جدید ابداع کرد، زیرا از تحقیقات علمی برای اثبات وجود هوشمندی (T-Consciousness) به عنوان یک پدیده و یک واقعیت غیرقابل انکار استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینسفکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیر مادی و غیر انرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینسفکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه‌های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور (ط)» و «میدان‌های شعوری (ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. این زمینه‌ها را نمی‌توان به طور مستقیم توسط علم اندازه‌گیری کرد، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های آزمایشگاهی تکرارپذیر بررسی کرد (۳).

اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) با اتصال (Connection) بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل و موضوع مورد مطالعه به عنوان جزء آغاز می‌شود.

تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

اتصال توسط ذهن فرادمانگر (فرد آموزش دیده‌ای



که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسطه (اعلام کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود.

پایه ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن:

فرض اولیه: شکل گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور (ط)» است

حکم: وجود «شعور» (میدان‌های شعوری (ط)) میتواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، سلول‌ها، مواد و غیره) اثبات شود

برهان: تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود.

بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل‌های آن، فازهای تحقیقاتی صفر تا چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد:

هدف تحقیقات در **فاز صفر:** اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور پرداخته نخواهد شد.

فاز اول: به بررسی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور (ط)» می‌پردازد.

فاز دوم: چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند.

فاز سوم: بررسی مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد.

نهایتا، فاز چهارم: نتیجه گیری‌های کلان به ویژه در ارتباط با ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور (ط)» و غیره را خواهد گرفت.

فردرمانی وسایمنتولوژی به عنوان طب‌های مکمل مبتنی بر اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) هستند. در فردرمانی و روانشناسی، ذهن نه تنها جزئی از مغز تلقی

نمی‌شود، بلکه عملکرد مغز نیز تابعی فرعی از فعالیت ذهن تلقی می‌شود و مغز نیز توسط ذهن اداره می‌شود. «ذهن» در سایمنتولوژی مسئولیت مدیریت نرم افزاری تمام جنبه‌های وجودی انسان، مدیریت حافظه، یادگیری، یادآوری، مدیریت تنظیم داده‌ها و مدیریت سلول و بدن را بر عهده دارد. واژه نرم افزار به دنیای کامپیوتری امروزی اطلاق می‌شود که در آن دستگاه‌ها دو جنبه دارند: (۱) سخت افزار و (۲) برنامه‌ها. برنامه‌هایی که باید روی سخت افزار نصب شوند نرم افزار نامیده می‌شوند. این قیاس در مورد انسان و کل هستی صدق می‌کند (۴).

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش فردرمانی و سایمنتولوژی و میدان‌های شعوری مرتبط با آنها، بر ادراک از خدا بر روی مراجعین مرکز عرفان کمال در تهران (پایتخت ایران) انجام شد.

تعاریف ادراک از خدا

آنچه حواس چندگانه ما به مغز گزارش می‌دهند توسط ذهن تجزیه و تحلیل می‌شود. بنابراین، افراد مختلف هر کدام تفسیرهای منحصر به فرد خود را از این یافته‌ها دارند و از حواس خود به نتایج متفاوتی می‌رسند (۵).

«ادراک خدا» (تصویر خدا)، یک مدل کارکردی درون روانی است که فرد «خدا» را بدان گونه و در آن قالب متصور می‌شود. ادراک خدا می‌تواند نشان دهنده درجه رشد یافتگی استدلال اخلاقی و میزان بلوغ روانی و درنگاهی ژرف تر تمامیت شخصیت فرد باشد (۶). ادراک خدا یک الگوی شناختی-عاطفی است که از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبینش شکل گرفته و در سرتاسر زندگی همگام با رشد و بلوغ روانی فرد، بارها و بارها تجدید می‌گردد. این الگو، جهت‌گیری، رفتار و احساس فرد در ارتباط با خدا را هدایت می‌کند، به همین خاطر ادراک خدا، مجموعه‌ای منسجم از آخرین سطح ادراکی فرد در مسائل و امور ماورایی است (۷). ادراک از خدا می‌تواند نشان دهنده تحول شناختی،

شخصیت و درک انسان از معنای زندگی و میزان رشد اخلاقی فرد باشد. این متغیر روانی، حکایت از کیفیت ارتباط با خدا دارد که یکی از مهم‌ترین ارتباطات فرد بوده و بررسی آن می‌تواند کیفیت دیگر ارتباطات مهم زندگی روانی فرد را به ما بشناساند. این مفهوم در مکتب روانشناسی، روابط موضوعی (روابط شیء) ریشه دارد. شخصیت هر فرد اصلی‌ترین بعد و ساختار روانشناختی اوست؛ که به شکل‌گیری سبک زندگی وی کمک می‌کند. همچنین در صورتی که صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان به میان باشد و بخواهیم سازه‌ای روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، آنگاه ادراک فرد از خدا و تصویری که به آن دست یافته، بسیار مهم است. (۸)

تحقیقات نشان داده که انگاره ذهنی مثبت به خدا داشتن، و حفظ کردن ارتباط نزدیک با خداوند، موجب افزایش سلامت روان می‌شود (۹).

از دیدگاه لاورنس (۸): درواقع، دین و ادراک از خدا حقیقتی است که پیوسته با بشر بوده و شالوده زندگی و معنای زندگی وی را تشکیل می‌دهد. پس می‌توان نتیجه گرفت که دین و ادراک از خدا از ارکان اصلی فرهنگ هر ملتی است، جامعه را هویت و انسجام می‌بخشد و در افراد جامعه حس همبستگی به وجود می‌آورد. در میان ارزش‌ها و باورهایی که در شکل دادن به روش زندگی افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند ارزش‌ها و اعتقادهای دینی و ادراک از خدا، از مهمترین آنهاست (۱۰).

ارزش‌ها و باورها و در رأس آنها، ایمان و معتقدات دینی و مذهبی از عناصر مؤثر بر شخصیت است. شخصیت، فراگیرترین مفهوم روان شناختی است که تمامی کارکردهای انسان را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. بر این اساس، ویژگی‌های شخصیتی از مؤلفه‌های اثرگذار بر نوع روابط انسانی، تعاملات اجتماعی و به طور کلی، تمامی فعالیت‌های انسان در صحنه جامعه است. بنابراین شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند یکی از تعیین‌کننده‌ای ادراک از خدا و چگونگی درک معنا در زندگی باشد (۶).

از دیدگاه طاهری (۱۱)، «دین» از دو بعد ظاهر و باطن تشکیل شده است. ظاهر دین، شعائر است، اعم از اصول و

فروعی است که تعاریف، دستورات، تکالیف، بایدها و نبایدها را ارائه می‌دهد. اما باطن دین که عرفان نامیده می‌شود شامل حقایق درباره خداوند است. باطن دین از طریق کشف و شهود [معنوی] به عنوان نتایج اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) به دست می‌آید. بنابراین ادراک خداوند مرتبط با باطن دین است. از آنجا که عرفان و کشف و شهود بی‌نهایت است، خدا و حقیقت دین نیز نامحدود است.

از دیدگاه عرفان کیهانی ماهیت این جهان تک ساختاریست، یعنی ماده و انرژی از شعور (هوشمندی) بوجود آمده و خدا به عنوان خالق شعورکل کیهان شناخته می‌شود که فرای زمان و مکان می‌باشد و توصیفی برای آن وجود ندارد.

از آنجایی که پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند؛ یکی از عواملی که می‌توانند به راحتی سلامت روانی و جسمانی افراد را در طول زندگی تهدید کنند، ادراک نادرست از خدا و در تضاد قرار گرفتن با او می‌باشد، که همه این موارد با توجه به شخصیت‌های متفاوت، متغیر است، و با توجه به این که ادراک از خدا می‌تواند نشان‌دهنده تحول شناختی، شخصیت و درک انسان از زندگی و میزان رشد اخلاقی فرد باشد؛ بنابراین هدف در این پژوهش این است که آیا آموزش‌های فرادرمانی-سایمنتولوژی می‌توانند بر ادراک از خدا در افراد تاثیر گذار باشد؟

کاربرد میدان‌های شعوری (ط)

روش اجرای تحقیق میدان‌های شعوری (ط) (TCFs) براساس پروتکل‌های تنظیم شده توسط مرکز تحقیقات COSMOIntel (www.COSMOIntel.com) بر روی نمونه‌ها اعمال شد. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) برای استفاده از میدان‌های شعوری (ط) را می‌توان از طریق وب سایت COSMOIntel در بخش «تخصیص اعلامیه» قرار داد. این دسترسی برای همه بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس است. به منظور مطالعه و تجربه این اتصال، محققان می‌توانند در هر زمان در وب سایت ثبت نام کنند و آزمایش را به مرکز تحقیقات COSMOIntel گزارش دهند. جزئیات خاصی از آزمایش باید



به مرکز ارائه شود. مثلاً مشخصات یا تعداد و نام نمونه‌ها و کنترل‌ها باید مشخص شود.

شرکت‌کننده‌ها

از بین ۱۰۰ نفر افراد شرکت‌کننده برای آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی ۳۵ نفر بطور رندوم انتخاب شدند.

روش اندازه‌گیری

پرسشنامه ادراک از خداگرایی (لارنس)

شامل ۷۲ عبارت است که ۶ زیرمقیاس دارد و به صورت لیکرت چهارتایی ارائه می‌شود و توسط قنبری هاشمی (۱۲)، هنجار و پایایی و روایی آن سنجیده شده است. زیرمقیاس‌های این آزمون بدین شرح می‌باشد:

۱- حضور: این خرده‌مقیاس به این موضوع می‌پردازد که آیا خداوند اینجا و برای من حضور دارد؟ این زیرمقیاس در واقع موضوع بنیادی حضور یا غیبت را می‌سنجد. انتظار می‌رود افرادی که ادراک خدا در ایشان بالغانه‌تر است در این مقیاس امتیاز بیشتری بگیرند.

۲- چالش: دومین زیرمقیاس آزمون چالش است و به این موضوع می‌پردازد که آیا خدا می‌خواهد من رشد و پیشرفت کنم؟ این مقیاس میزان اعتقاد فرد به خواست خدا برای رشد و کمال وی را در لحظات سخت و روبرو شدن با موانع را می‌سنجد.

۳- پذیرش: این زیرمقیاس به این سوال می‌پردازد که آیا من شایسته دوست داشته شدن از جانب خداوند هستم؟ این مقیاس بیشتر بر ادراک فرد و ارزشی که وی بر خویشتن می‌گذارد تمرکز دارد.

۴- خبرخواهی: این زیرمقیاس به این موضوع می‌پردازد که آیا خداوند همانند کسانی است که مرا دوستم می‌دارند و آنچه را برای من بهتر است را برایم می‌خواهد؟

۵- تاثیر: من تاچه حد می‌توانم بر خداوند و خواست او تاثیر بگذارم؟

۶- مشیت: خداوند تا چه حد توان تاثیر گذاردن بر من دارد؟

بالاترین نمره در این آزمون ۲۸۸ و پایین‌ترین نمره ۷۲ می‌باشد. روایی و پایایی آزمون بدین صورت است: زیرمقیاس حضور ۰/۹۴ - زیرمقیاس چالش ۰/۸۶ - زیرمقیاس پذیرش ۰/۹۰ - زیرمقیاس خبرخواهی ۰/۹۱ - زیرمقیاس تاثیر ۰/۹۲ - زیرمقیاس مشیت ۰/۹۲ و پایایی کل ۰/۹۱ و روایی کل آزمون نیز بین ۹۱ تا ۹۸ درصد بیان شده است (۱۳).

روش تجزیه و تحلیل آماری

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه و زیرمقیاس‌ها از روش تحلیل واریانس (ANOVA) برای اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شده است.

روش اجرا

در ابتدا پژوهشگران به صورت حضوری به مرکز عرفان کمال تهران مراجعه نمودند و نمونه‌گیری تصادفی انجام دادند. توضیحاتی در مورد تحقیقات، اقدامات و آموزش به افراد ارائه شد. سپس پرسشنامه‌گرایی قبل و بعد از دوره آموزشی تکمیل شد. دوره‌ها دو بار در هفته به مدت ۵۶ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای برگزار شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

شرح مختصری از جلسات آموزشی

هر جلسه به دو بخش تئوری و عملی تقسیم می‌شد. علاوه بر موضوعات نظری، جلسات عملی شامل ارتباط (اتصال) با شبکه شعور کیهانی (CCN) بود که در طول جلسات اجرا شد. یعنی در ابتدا، وسط و پایان هر جلسه، از شرکت‌کنندگان خواسته شد چشمانشان به مدت ۱۰ تا ۱۲ دقیقه ببندند و اتصال با CCN را تجربه کنند. همچنین از شرکت‌کنندگان خواسته شد که در طول ارتباط، ناظر بی‌طرف بدن و ذهن خود باشند. سپس از احساسات و ادراک خود در گروه گزارش

دادند. انواع مختلفی از اتصال به میدان‌های شعوری (ط) اجرا شد که هر کدام اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند و به محتوای موضوعات خاص مربوط به هر جلسه مرتبط بودند. نتایج اتصالات به CCN، فعال سازی و اصلاح بسیاری از نرم افزارهایی است که انسان‌ها در اختیار دارند. با فعال سازی نرم افزار وجودی، دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده هر

کلاس تسهیل شد. علاوه بر این، شرکت کنندگان به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در زمان‌های مشخصی از روز یا شب، هر روز در منزل به CCN متصل شدند.

نتایج:

فرضیه: آموزش سایمنتولوژی بر ادراک از خدا تأثیر دارد.

جدول ۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۳۳	۶۷/۹۷	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۶

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱: تحلیل واریانس متغیر ادراک از خدا

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۹۲۴/۱۲۹	۱	۱۹۲۴/۱۲۹	۶۷/۹۷	۰/۰۰۰	۰/۶۶
خطا	۹۶۲/۳۷	۳۴	۲۸/۳۰			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر بهبود ادراک از خدا معنادار بوده است.

ادراک از خدا تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۶۶ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند.

آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی بهبود

۱- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس حضور تأثیر دارد.

جدول ۱-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۳	۴۴/۵۸	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۶

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱-۲: تحلیل واریانس متغیر حضور

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۱۰/۶۲	۱	۱۱۰/۶۲	۴۴/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۵۶
خطا	۸۴/۳۷	۳۴	۲/۴۸			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس حضور معنادار بوده است.

افزایش نمرات حضور تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۵۶ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند.

آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی

۲- آموزش سایمنتولوژی بر زیر مقیاس چالش تأثیر دارد.

جدول ۲-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۰	۳/۴۳	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۷۳	۰/۰۹



نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲-۲: تحلیل واریانس متغیر چالش

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۰/۶۲	۱	۲۰/۶۲	۳/۴۳	۰/۰۷	۰/۰۹
خطا	۲۰۴/۳۷	۳۴	۶/۰۱			

فرضیه تأیید نمی‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر

مقیاس چالش معنادار نبوده است.

۳- آموزش سایمنتولوژی بر زیرمقیاس پذیرش تأثیر دارد.

جدول ۳-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۴	۱/۸۲	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۱۸۲	۰/۵۷

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار نمی‌باشد.

جدول ۳-۲: تحلیل واریانس متغیر پذیرش

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۰/۶۲	۱	۲۰/۶۲	۱/۸۲	۰/۱۸۲	۰/۰۵
خطا	۱۹۵/۳۷	۳۴	۵/۷۴			

فرضیه تایید نمی‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس

پذیرش معنادار نبوده است.

۴- آموزش سایمنتولوژی بر زیرمقیاس خیرخواهی تأثیر دارد.

جدول ۴-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۲	۴۶/۶۶	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۷

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۴-۲: تحلیل واریانس متغیر خیرخواهی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۶۸/۱۲	۱	۲۶۸/۱۲	۴۶/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۵۷
خطا	۱۹۵/۳۷	۳۴	۵/۷۴			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس خیرخواهی معنادار بوده است.

۵۷ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی

۵- آموزش سایمنتولوژی بر زیرمقیاس تأثیر اثر دارد.

جدول ۵-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۸۸	۴/۲۶	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۴۷	۰/۱۱

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۵-۲: تحلیل واریانس متغیر تأثیر از خدا

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۲/۸۵	۱	۲۲/۸۵	۴/۲۶	۰/۰۴۷	۰/۱۱
خطا	۱۸۲/۱۴	۳۴	۵/۳۵			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر کاهش نمرات زیر مقیاس تأثیر معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۵۳ درصد اطمینان

روی کاهش نمرات تأثیر تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۱۱ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

۶- آموزش سایمنتولوژی بر زیرمقیاس مشیت تأثیر دارد.

جدول ۶-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۲	۳۱/۳۲	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۶-۲: تحلیل واریانس متغیر مشیت از خدا

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۴۶/۲۲	۱	۲۴۶/۲۲	۳۱/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۴۸
خطا	۲۸۶/۷۷	۳۴	۸/۴۳			

فرضیه تایید می‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس مشیت معنادار بوده است. آموزش سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی بهبود مشیت تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۸ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

بطور خلاصه: دوره های آموزشی ۶۶٪ تغییر در پرسشنامه ادراک از خدا (گریلی) ایجاد کرد، همچنین با گذراندن این دوره‌ها تغییر قابل توجه در این زیرمقیاس‌ها دیده شد: حس حضور ۵۶٪، تأثیر حضور ۱۱٪، خیرخواهی ۵۷٪، عنایت و مشیت ۴۸٪، این آموزشها تأثیر قابل توجهی روی زیرمقیاس‌های چالش و پذیرش نداشتند.

فردارمانی و سایمنتولوژی ۶۶٪ درک از خدا را در افراد تحت آزمون ارتقاء داده است و این درصد قابل توجه نش ان می دهد که این روش آموزشی در زمان نسبتاً کوتاه توانسته است تصور ذهنی افراد نسبت به خالق را تغییر دهد و با اصلاح این بینش مسلماً کیفیت ارتباط با خدا نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از اهداف اساسی عرفان کیهانی بهبود بینش و نگرش انسان به خود و جهان پیرامونش است، از آنجایی که ریشه بینشها از سنین بسیار پایین در انسان شکل می‌گیرد و در بخش ناخودآگاهی و نیمه خودآگاهی ثبت می‌شود اصلاح و تغییر آنها کار دشواریست (۳). اما فردارمانی و سایمنتولوژی با هدف اصلاح این نرم افزارها از روشهای تئوری و عملی خود بهره می‌گیرد.

مزلو (۱۴)، افراد مذهبی را تحت عنوان (peakers) یعنی افرادی که به اوج و بالاترین درجه می‌رسند و (none peakers)، یعنی افرادی که به اوج نمی‌رسند، طبقه‌بندی می‌کند. افرادی که دارای تجربیات اوج یا «متعالی» هستند، این عالم را به صورت یک کل یکپارچه تجربه کرده و به شناختی از هستی رسیده‌اند که همه چیز را

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق نتایج حاصله نشان می‌دهند که آموزش



پله عقل و عشق صورت می گیرد افرادی که به درک عالم عشق می رسند به درک معنای زندگی و یکپارچگی جهان هستی خواهند رسید و تضادهایشان با خود، خدا، هستی و دیگران از بین خواهد رفت. همچنین آنچه که در این روش آموزشی اهمیت بسزا دارد این است که علاوه بر اصلاح شناخت و بینش افراد، از ارتباطات (ارتباط با شبکه هوشمندی) فرادرمانی - سایمنتولوژی که جنبه عملی این روش هستند نیز استفاده شده است که این اتصالات و ارتباطات نقش تسریع کننده‌ای در بهبود درک از خدا و حس حضور او داشته‌اند.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی خود را از دانشگاه آزاد کرمان که این پایان‌نامه در آنجا به ثبت رسیده است اعلام می‌کنند. همچنین از مرکز آموزشی عرفان کمال تهران که در اجرای این طرح ما را همراهی کردند سپاسگزاریم.

تضاد منافع

از دید نویسندگان هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

به طور فراگیر و مجزا از تجربه انسانی دریافت می‌کنند. به اعتقاد مزلو، این تجربیات اوج که نوع سالم تجربه مذهبی هستند، باعث می‌شوند تا تضادها و دوگانگی‌های زندگی برطرف شوند. از طرفی افراد none peakers یا افرادی که به تجربه اوج نمی‌رسند، طبق نظر مزلو از تجربیات اوج می‌هراسند و این تجربیات را انکار می‌کنند. این افراد با توجه به اینکه اغلب مادی‌نگر هستند و در چارچوب مشخصی فکر می‌کنند، تجربیات متعالی‌شان را که خارج از چارچوب فکری‌شان باشد، نادیده می‌گیرند.

طاهری (۱۵)، برای زندگی انسان دو مرحله یا حوزه در نظر می‌گیرد: عقل و عشق. از نظر او عالم عقل شامل تفکر و تعقل، مهارت و فن، علم و دانش، پند و نصیحت، تخیل و تصور، تلاش و کوشش، خواست و اراده، تلقین و تکرار است. در مقابل، دنیای عشق با ذوق و شوق، وجد و سرور، حیرت و تعجب، مهر و محبت، شورو هیجان، فداکاری و ایثار، عشق و علاقه سر و کار دارد. عالم عقل، اساس شناخت عالم عشق است و همه ادراکات انسان باید از طریق عالم عشق تکمیل شود. بنابراین، این دو قلمرو مکمل یکدیگرند. اگر انسان‌ها با عالم عشق و نتایج آن آشنا نباشند در درک خداوند هم توفیقی نخواهند داشت.

اما مذهب از نظر فرانکل (۱۶)، در معنای گسترده و صحیح خود تکاپوی بشر برای یافتن معنای نهایی و غایی است. از آنجا که آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر روی

- 1-Easthope G, Tranter B. (2000). Normal Medical Practice of referring patients for complementary medicine among Australian general practitioners. *Complement Therapy Medicine*; 8: 226-33
- 2-Halqeh Mysticism, *International Journal of Social Science and Humanity*, sep 2013, 3(5), 471-475
- 3-Taheri M. A. (2013). *Human from another outlook* (2nd Edition). ISBN-I3: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006.
- 4-Taheri, M. A. (2011). *Psymetology*. Tehran: Interuniversal Press.
- 5-Okazi, Innocent, F. (2010). *Attachment To God: Its Impact on the Psychological Wellbeing of Persons with Religious Vocation*. (PhD Thesis). The Seton Hall University.
- 6-Gutierrez, J. L. G, Jimenez, B. M, Hernandez, E. G & Puente, L. P (2005), "personality and subjective well-being: Big five correlated and demographic variables", *Personality and Individual Differences*, 38, 1561-1569.
- 7-Hertel, B. R. & Donahue, M. J. (1995). Parental influences on God images among children: testing Durkheim's metaphoric parallelism, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 34, 186 –
- 8-Lawrence, R. T. (1997). Measuring the image of God: The God Image Inventory and the God Image Scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-236.10.
- 9-Benson, P., & Spilka, B. (1973). God image as a function of self-esteem and locus of control. *Journal for the scientific study of religion*, 297-310.
- 10-Koenig, H. G. (2013). *Is religion good for your health?: The effects of religion on physical and mental health*. Routledge.
- 11-Taheri M.A(2016). *Book abstracts*. Interuniversal press.
- 12-Ghanbari Hashem Abadi, B.A., Ashraf, M.H. (2012). Image of God and its relationship with demographics variables self-concept and self-efficacy. 10.22067/IJAPV2(1).13923
- 13-Golzari. M. (2000). *behave religious beliefs scale*, religion and mental health symposium.
- 14-Maslow.A.H. (1968). *Toward A psychology of Being*. 2nd Edition. New York: D.van, No strand.
- 15-Taheri, M. A. (2011). *Human Insight*. Tehran: Tohfeh Press.
- 16-Frankl , V. (1963). *Mans Search for Meaning*. New York: Washington Square press.
- Taheri, M. A. (2013). *Definition of Mysticism and its Relationship with Healing as Approach by*